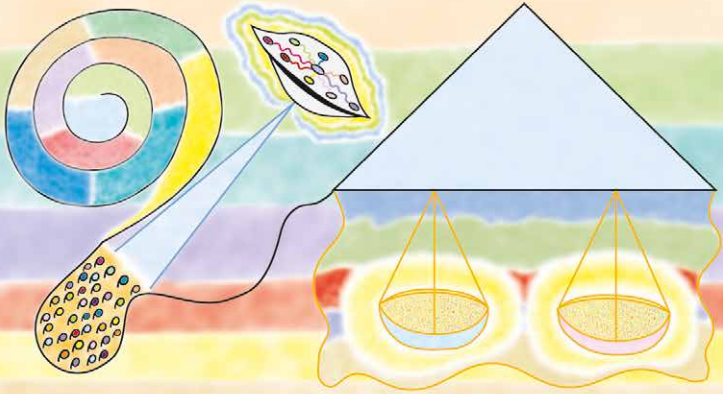


پیام تله پاتیک پدر جاودانه به جهان خاکی



علم آسمانی
آلفا و امگا



پیام تله پاتیک پدر جاودانه به جهان خاکی؛ پیام دوم؛ پیام اول را صخره مذهبی از جهان پنهان نمود.

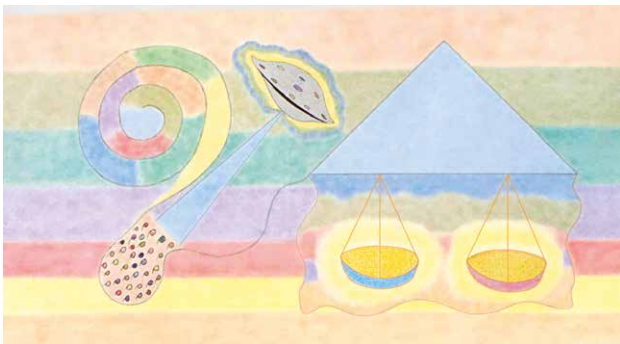
بله فرزندان؛ آدمی برای جستجوی حقیقت بدنیا آمده؛ برای جهانی از معرفت آغاز شده، وحی قرنها و قرنها در انتظار بوده؛ خالق تان از آموزه های زندگی برای پیشرفت جهانیان بهره می برد؛ در گذشته تورات را برایتان فرستاد؛ سپس تعالیم مسیح فرارسید؛ تعالیم سوم که آغاز شده، تعالیم بره خداوند است؛ این تعالیم علم آسمانی نیز نامیده می شود؛ منشا آن همان عناصر طبیعی است؛ متون تله پاتیک وسیله ارتباطی است که خالق عالم از آن استفاده می نماید؛ همیشه چنین بوده؛ در گذشته آموزه پیامبران از طریق تله پاتی دریافت میشده؛ چرا که همه چیز منبعی دارد و علتی؛ تعالیم بره خداوند را پایانی نیست؛ چرا که عالم پایان آنرا ندارد؛ و به همین دلیل تمام جهان را فراخواهد گرفت؛ و به

تمام زبانهای دنیا ترجمه خواهد شد؛ تاثیرش چنان خواهد بود که موجب افول دنیای مادی استثماری خواهد شد؛ چراکه تقوای جدیدی به جهان می آید؛ تقوای هزارهٔ صلح؛ آموزه پدر جاودانه همیشه کائنات را دگرگون می سازد؛ همانطور که پیش از این رخ داد؛ روح انسانهای کنونی وحی جدیدی را طلب می کرد؛ و این خواسته اجابت می شد؛ هر لحظه هستی تان را خود طلب کرده اید که اجابت شده؛ وحی جدید ادامهٔ کتابهای مقدس است؛ فرق است بین اهل مطالعه بودن کتب مقدس و مذهبی بودن؛ اولی جاودان است چراکه روح، همیشه در جستجوی سرشت خود است؛ دومی تجارت ایمان است؛ مذاهب، اولین چیزی هستند که در برابر دنیا مورد اتهام قرار می گیرند؛ در تعالیم برهٔ خداوند؛ به اصطلاح مذاهب انسانی، عالم ایمان را تقسیم کردند؛ آنها چنین حقی نداشتند؛ آنها فراموش کردند که تنها یک خدا وجود دارد؛ فقط یک حق؛ تنها شیطان تقسیم می کند و خودش را تقسیم می کند؛ ارواح مذهبی همان فریسی های زمان رم هستند؛ آنها از خداوند خواستند دوباره زاده شوند تا خطاهای گذشته را اصلاح نمایند؛ و این آزمون به آنها واگذار شد؛ دینداران فراموش نکنید هر کس به آن سرنوشتی که خود انتخاب می کند آزموده می شود؛ شما ارواح صخره

نیز در عوالم دوافتاده چنین کردید؛ دیگر مردمان را تقسیم کردید؛ در مخلوقات دیگر سردرگمی معنوی ایجاد کردید؛ سیاره های زیادی را از معبدهای مادی پر کردید؛ و دوباره روی زمین چنین کردید؛ به همین خاطر اول شما مورد قضاوت قرار می گیرید؛ به خاطر تخطی از شرع همانند ضد مسیحیان شدید؛ در واقع تمام آنها که از قوانین الهی تخطی کردند چنین هستند؛ شما می گوید مادر مقدس کلیسا؛ من می گویم هیچکس در این دنیا مقدس نیست؛ خضوع واقعی به عناوینی که در آسمانها ناشناخته است، نیاز ندارد؛ حتی سیاره ذره بینی تان نیز در ملکوت آسمانها ناشناخته است؛ فقط پدر و پیامبران خاص می دانند این ذره- سیاره زمین نام دارد؛ علت آنست که کائنات پدر یهوه را انتهایی نیست؛ و هرکس فکر کند بزرگ است، چنین نیست؛ کلمه فاحشه مناسب شماست؛ چراکه شرع الهی را معامله کردید؛ کورها دیگر کورها را هدایت می کنند؛ که خطاهای شما را به دیگر کورها منتقل می کنند؛ زمانیکه تعالیم تازه انتشار یابد، صخره معنوی خودخواهی تان تقسیم می شود؛ کلمه صخره به معنی ابدیت نیست؛ زمین نسبی است و ابدی نمی باشد؛ فکر می کنید کلیسایتان ابدی است؛ وقایع پیشرو شما را از این اشتباه درمی آورند؛ فقط خاضعان باطنی به

جاودانگی می رسند؛ نه آنها که با فسق، تقوا می آموزند؛
آنگاه که اولین پسر در زمین گفت؛ روی این صخره کلیسایم
را می سازم، با نگاه به آینده بشریت چنین گفت؛ چراکه
تثلیث خورشیدی همه جاست؛ همچنین در گذشته، حال و
آینده وجود دارد؛ و او چه دید؛ تمام خطاهایتان را دید؛ دید
چطور دیگر مخلوقات را آزار می دهید؛ به خاطر آنکه نظر
متفاوتی داشتند؛ او دید چطور محققان و نویسندگان بزرگ
را آزار دادید؛ فقط به این دلیل که خطاهایتان را نشان تان
دادند؛ او دید چطور پادشاهان زمینی را به تخت سلطنت
نشانید؛ فقط صخره خودپسند خود را می شناسید با آنکه
می دانند فقط یک شاه شاهان وجود دارد؛ پدر الهی، که
هم زندگی می بخشد و هم زندگی می گیرد؛ عنوان شاه از
جهان آسمانی است؛ شیطان، شاه ارواح نامیده می شود؛
احکام الهی شاه شدن نمی آموزند؛ بلکه فروتن بودن در برابر
همه چیز را یاد می دهند؛ بره خداوند دید چطور دستهایی
که فرزندان پدر با آن یکدیگر را می کشند را تقدیس کردید؛
نباید بکشید؛ او سودای ایمان را دید؛ و همه فساد روحتان را
دید؛ بهتر بود درخواست تولد دوباره پیش از ارتکاب تخطی
مجدد را نمی کردید؛ مذاهبتان در ملکوت آسمانها ناشناخته
است؛ و هر اصولی که تظاهر به تقسیم ایمان فرزندان

پدر را کند ناشناخته می باشد؛ تنها معبدی که در ملکوت آسمانها شناخته شده است، معبد عمل است؛ عمل قدیمی ترین حکمی است که وجود دارد؛ پیش از آنکه سیارهٔ ذره ای تان خلق شود، عمل در جهان های عظیم اعمال میشده و می شود؛ معبد عمل هیچگاه به ذره خاک تقلیل نمی یابد؛ معابد مادی شما به خاک ثقیل می یابند؛ و بدین وسیله ستایش مادی این سیاره محو می شود؛ ستایشی که هیچگاه نباید آموخته می شد؛ به خاطر این ستایش ریاکارانه است که پیشرفت در قرن بیستم را به تاخیر انداختید؛ چه در سطح اخلاقی چه در سطح معنوی.



بله فرزند خرد؛ این طرح آسمانی نشان می دهد عدالت همانطوری منتشر می شود که موجودات تکثیر می گردند؛ روح تمام انسانها این عدالت را در ملکوت آسمانها دیده اند؛

چرا که دیدن عدالت هر فرد به او داده شد؛ همه چیز در ملکوت آسمانها موجود است؛ هیچکس از نظر معنوی کور به دنیا نمی آید؛ عدالت با اعمالتان تطبیق می یابد؛ چراکه هر کس قول داده بهشت خودش را بسازد؛ عدالت در احکام زندگی قانون خودش را دارد؛ و با همین مقیاس قضاوت می شوید؛ هریک از افکارتان قصدی دارد؛ و هر قصدی تجلی فیزیکی می یابد و در ملکوت آسمانها زنده می ماند؛ این قصد است که قضاوت می شود زمانیکه روح مرتکب تخطی شود؛ بدن انسان محصول قوانین مغناطیس است؛ این قوانین بازده عالم هستی می باشند و قوانین الهی نام دارند؛ هر کس در عالم دون، الهی بودن خود را انکار کند، پدر را انکار کرده، جاودانگی خود را انکار کرده؛ چراکه در ملکوت افکار خوانده می شوند؛ و زمانیکه موجودات آسمانی افکار ارواح را بخوانند، آنرا قضاوت می کنند؛ هر کس پدر را انکار کند، مخلوقات آسمانها نیز ورودشان را انکار می کنند؛ هر آنچه روی زمین کنید در آسمانها پیامد دارد؛ و روحتان هر کجا رود، قانون تغییر نمی کند؛ احکام من در زمین و آسمانها یکی است؛ آنچه تغییر می کند فلسفه ایست که در یک لحظه موجود می شود؛ عدل تان معنوی بوده و هست؛ آنچه مادیست در اصل زندگی تان باقی نمی ماند؛ در معرفت نیز

باقی نمی ماند؛ واقعیت منحصر بفرد هر روح، جاودانگی آن است؛ همانند زمانی نیست که همراه بدن بی دوام بود؛ بدنی از گوشت که طلب شده بود؛ و به روح عطا شده بود؛ عطا شدن بدن جسمانی با عطا شدن چیزهای دیگر فرق دارد؛ بدن زنده است و به طور موقت به هندسه ای فیزیکی نیاز داشت؛ و عطا شده بود؛ وراثت برای همه یکسان است؛ ماده و روح از حقوق یکسان برخوردارند؛ هر دو طلب می کنند؛ قوانین معنوی و مادی در هم ادغام شده اند؛ در ملکوت آسمانها به تابوت عهد شناخته شده است؛ چرا که مادی شدن روح تصادفی نیست؛ بلکه با مسئولیت انجام می شود؛ خلاف این را باور داشتن، تحقیر خود است؛ و هر کس خود را خوار کند، پدر را خوار کرده؛ چراکه در او است؛ یاد ندارید که خالقتان همه جا حاضر است؟ در هر آنچه تصور می شود و تصورناشدنی است؟ همانا که به زبان می دانید؛ اما به آن معرفت ندارید؛ با تلاش خودتان؛ در عرق صورت تان؛ با شایستگی خودتان؛ خواستن توانستن است؛ چراکه به میزانی که جستجو کنید پاداش می گیرید؛ چراکه می توانید در مدت هستی تان به جستجوهای متعددی بپردازید؛ و اگر به دنبال پدر نگردید که به شما زندگی عطا کرده، به ملکوت آسمانها وارد نمی شوید؛ ناسپاس هرگز وارد نشده؛ فقط

خاضعان؛ آنها که آزمونهای زندگی را گذرانده اند؛ چراکه خود خاضعان خواستار آن آزمونها در ملکوت بوده اند؛ هر کس هر لحظه، هر ثانیه که آزمونی را می گذراند، آنرا طلب کرده و خواسته اش اجابت شده؛ حتی طرز مردن تان؛ آن را خواسته اید؛ و در طی آزمونتان خواسته اید بالاترین میزان تقوی را به جا آورید؛ چرا که بدون آن هرگز نمی توانید وارد ملکوت آسمانها شوید؛ و خواسته اید چنین تقوایی روی زمین آموزش داده شود؛ و احکام الهی به شما عطا شد؛ آنها میزان هستند؛ چراکه براساس آنها قضاوت خواهید شد؛ و کمال این سیاره هستند؛ روح انسان هرگز نمی توانست مرا مطالعه کند؛ اما زندگی نکردن در تقوای احکام من، تاریکی است؛ چراکه هرگز وارد مکان پدر نخواهید شد؛ دوری از نور چنان بی مانند است که باید دوباره زاده شوید تا تعداد را ببینید؛ آنچه که در انقلاب میکروسکوپی شما وجود ندارد؛ عدالتی که خواستار آن بودید با کوچکترینهایی که ذهن تان قادر به درک آن است آغاز می شود؛ چراکه کوچکترینها، خاضعان، اولین ها هستند که به ملکوت آسمانها و عدل الهی وارد می شوند؛ و اولین در برابر پدر الهی یهوه؛ و کوچکترین چیزی که ذهن تان قادر به درک آن است؛ افکار تان است؛ همان ها که هر روز تولید می کنید؛ همان که در ملکوت آسمانها طلب

کردید؛ همان که احساس می کنید اما نمی توانید ببینید؛ تمام افکارتان به طور فیزیکی در فضا حرکت می کند؛ دارای حقوق یکسان مانند خودتان هستند؛ خواستید تا به صورت ماده زاده شوید؛ آنها هم همینطور؛ خواستید در زمان و مکانی زندگی کنید؛ افکارتان هم همینطور؛ آنچه بالا در آسمانهاست پایین روی زمین هم همینطور است؛ موروث درخواست همه جا یکسان است؛ مخلوقات بزرگ درخواست می کنند، مخلوقات کوچک درخواست می کنند؛ مخلوق ماده درخواست می کند و مخلوق نیستی درخواست می کند؛ و پدر همه را اجابت می کند؛ چراکه او لایتناهی است؛ افکارتان در فضا حرکت می کنند؛ مسافتهایی که بی مانند؛ مسافتهایی که هیچگاه نمی توانید محاسبه کنید؛ فقط پدر می داند؛ در ملکوت افکارتان با نام دانه کهکشانی شناخته شده است؛ چراکه جهانتان از افکارتان زاده می شود از بهشت خودتان؛ در مشیتم چنین نوشته شده: هرکس بهشت خود را می سازد؛ چراکه همه شما بسیار کوچک میراث پدر را دارید؛ هرآنچه پدر دارد، فرزندان نیز دارند؛ درست مانند والدین خاکی؛ خصوصیات وراثتی به فرزندان منتقل می شود؛ هرآنچه آن بالا در آسمانهاست آن پایین در زمین یکسان است؛ میراثی که پدر به شما عطا کرد پاک و فقدان

فلسفه بود؛ چراکه اختیاران انتخاب می کند؛ و هرچه هستید شایستگی اش را دارید؛ چراکه همه چیز با تلاش خودتان روی داده؛ با تلاش معنوی؛ هیچ چیز در خلقت پدر نیست که هزینه ای نداشته باشد؛ همه چیز هزینه ای دارد و خواهد داشت؛ چراکه بدون شایستگی معنوی کسی نمی تواند به ملکوت آسمانها راه یابد؛ راحتی دنیایتان در آسمانها ارزشی ندارد؛ هر راحتی که لذتش را برده اید، پاداشی است که لذتش را برده اید؛ و به همین خاطر نوشته شده است؛ و پاداش شان حاصل شده؛ تمام لذتهای مادی در ملکوت آسمانها ارزشی ندارند؛ به خصوص لذتهایی که محصول فلسفه ای هستند که احکام پدر را در نظر نداشته اند؛ چنین فلسفه ای زمان زیادی دوام ندارد؛ چراکه خالق عطا می کند و می گیرد؛ گسترش فلسفه مادی تان پایان می یابد؛ چراکه همه چیز زمانی دارد؛ چراکه همه چیز به احکام پدر نسبی و وابسته است؛ وابستگی که خودتان در آزمونهای زندگی تان درخواست کردید؛ فروپاشی سیستم زندگی خودتان، فروپاشی اسارت تان است؛ این بهترین اتفاق برای خاضعان است؛ منفور و حقیر؛ چراکه همه در پیشگاه خداوند برابرند؛ هیچکس ثروتمند یا فقیر دنیا نیامد؛ چنین موقعیتهایی توسط روح جاه طلب بوجود آمده؛ آنها که فقط در اکنون

زندگی می کنند؛ پسرفت کننده ارواح؛ با این شیوه تفکر فانی
پیش از ابدیت به جز مطیع کردن دنیا کاری نکرده اند؛ همه
این شیاطین را خود دنیا قضاوت خواهد کرد؛ چرا که
هیچکس متهم شدن روحش را نمی خواهد؛ نور تعالیم بره
خداوند دنیا را دگرگون می کند؛ چراکه در ملکوت آسمانها
چنین مقدر شده؛ زمین برخلاف آنچه قرار بود عمل کرد؛
قرنها احکام الهی به زمین گفتند: اول خاضعان؛ در همه چیز؛
و با احکام الهی چه کردید؟ آیا خاضعان من زمین را اداره
می کنند، به خاطر اینکه در همه چیز اول هستند؟ همانا که
چنین نکردید؛ چراکه می بینم همه خاضعان مورد نفرت قرار
دارند؛ نمی توانند جزیی از فسادى شوند که جامعه پیشرفته
می نامید؛ و چه کسی این حق را داد تا چنین جامعه ای
بسازید؟ آیا در کتابهای مقدس من آمده؟ همانا خطاب شما
شیاطین باطل می گویم خالق، هر درخت فلسفی را که
نکاشته باشد، از ریشه می کند؛ تمام تحولات چنین هستند؛
و چه کسی شما را آفرید و شاه کرد؟ آیا نمی دانید که فقط
پدر، شاه شاهان است؟ و عنوان شاه متعلق به این دنیا
نیست؛ بلکه به ملکوت تعلق دارد؛ شیطان، شاه روح خوانده
می شود؛ احکام الهی خاضع بودن را می آموزند؛ شاه کردن
خود را نمی آموزند؛ همانا خطاب به شما شیاطینِ اشرافیتِ

لعنت شده می گویم؛ که هیچکدامتان به ملکوت وارد نمی شوید؛ و همچنین فرزندانتان تا سه نسل؛ چراکه در ملکوت پدر یهوه وراثت منتقل می شود؛ هیچکس بیهوده نیست حتی برای یک ثانیه؛ به خاطر اینکه تخطی یک لحظه یا کمتر موجب می شود وارد ملکوت نشوید؛ شاهان لعنت شده، فرزندان بی گناه تان نفرین تان می کنند؛ چراکه به خاطر شما نمی توانند وارد ملکوت شوند؛ همچنین هر مرد یا زنی که در فلسفه لعنت شده تان همراهی تان کند؛ هیچ شیطانی به نام اشراف وارد ملکوت نخواهد شد؛ چراکه در ملکوت فقط عمل ارزش دارد؛ فلسفه کائنات؛ فلسفه ای که همه خاضعان و راستگویان خواستند؛ آنها که در زمین پادشاه بوده و هستند، ارواح گمراه در پوچی هستند؛ روحشان تحت تاثیر کهکشانهای هستی های دیگر قرار دارد؛ هستی هایی که در آن همه چیز روشنایی مادی دارد و معنویت جایی ندارد؛ طعم تاریکی؛ شیطانی وجود ندارد که در جهانی شاه نبوده باشد، این فلسفه خود شیطان است؛ از همان زمان که عصیان کرد؛ و تمام سپاهی که با او سرکشی کردند؛ چراکه همه شما از بهشت آمدید؛ حتی شیطان اهل بهشت بود؛ در بهشت ارواح عادات موجودات دیگر از اخذ می کنند؛ همانطور که شما چنین می کنید؛ چراکه هرچه آن

بالاست آن پایین در زمین یکسان است؛ مقلدان شیطان بین شاهان، مذهبیان، ثروتمندان و لعنت شدگانی که فلسفه زور می سازند، پخش شده اند؛ کلام پدر الهی همه چیز را خلوص می بخشد؛ همه چیز را دگرگون می سازد؛ همان کلامی که احکام را به شما عطا کرد؛ و همان کلام اول از نظر معنوی قضاوت تان می کند؛ و سپس براساس قوانین فیزیکی؛ چراکه ارواح چنین درخواست کرده اند؛ ارواح خود خواستند در روز قیامت آزموده شوند؛ همانطور که خواستند در هر لحظه از زندگی آزموده شوند؛ که با تفسیر کتب مقدس من آغاز می شود؛ همه چیز دقیقاً همه چیز را خودتان خواستید؛ حتی کوچکترین جزئیات علم بره‌ خداوند را؛ این به شما نشان می دهد که حتی امور نامریی نیز از ملکوت آسمانها کنترل می شوند؛ حسهای ناشناس تان؛ عدل برای تفکرتان است؛ برای عقایدتان؛ نیت تان؛ خود در ملکوت چنین درخواست کردید؛ فراموشی مبدا و سرشت تان را نیز خود درخواست کردید؛ چگونگی و جزئیات خلقت تان؛ اما باید همه چیز را بدانید؛ چراکه روی زمین درباره‌ نور بره‌ خدا پرسیدید؛ درخواست کردید بدانید؛ خواستار تعالیم جدید شدید؛ و خواستار شگفتی رسیدن این تعالیم شدید؛ تعالیم بره‌ خداوند؛ باید خیلی وقت پیش دانسته می شد؛ شک و مادیت گرایی صخره‌

مذهبی، حقیقت را از شما پنهان کرد؛ آنها تعدادای از طومار
بره را داشتند؛ اولین طومار در دستانشان قرار گرفت؛ چرا که
آزموده شدند؛ همه ارواح آزموده می شوند؛ این شیاطین که
ایمانی را آموزش می دهند که خود به آن اعتقاد ندارند؛
خواستند اولین کسانی باشند که به دانش حقیقت دست
یابند؛ و به آنها عطا شد؛ چرا حقیقت را پنهان کردند به
خاطر پرورش صخره خودخواهی در قلبشان است؛ آنها
کمترین ایمان را دارند؛ آنها تحت تاثیر قانون ستایش ماده
هستند؛ میراث فراعنه؛ که باعث خودپرستی می شود؛ همانا
به شما شیاطین ستایشگر می گویم هیچ گمراهی به ملکوت
وارد نمی شود؛ حتی یک صخره خودخواه نمی تواند وارد
شود؛ این نسل و نسلهای آینده لعنت تان می کنند؛ به خاطر
شما شیاطین، این نسل نمی تواند به ملکوت وارد شود؛
چراکه تمام ثانیه های زندگی شان با تخطی همراه بوده؛ فقط
یک ثانیه تخطی یا کمتر از آن برای وارد نشدن به ملکوت
آسمانها کافیست؛ و زمانیکه حقیقت را از جهان پنهان کردید،
این نسل را بیشتر از ملکوت راندید؛ چرا که خطا را مستمر
کردید و لحظه های بیشتری از زندگی شان را در تخطی
گذراندند؛ هر لحظه تخطی، بهشتی است که بر مخلوق بسته
می شود؛ ثانیه های هر دقیقه، ساعت، روز، هفته، سال و

ثانیه های سالهایی که زندگی کردید را جمع کنید؛ و از سن دوازده سالگی به بعد را در نظر بگیرید؛ پیش از دوازده سالگی؛ هر روحی در درگاه خداوند بیگناه است؛ و هر کس برای یک ثانیه یا کمتر یکی از بیگناهان مرا با عمل یا کلام بد رفتاری کند، وارد ملکوت نخواهد شد؛ چراکه آنها در زندگی های پیشین در ملکوت شکایت کردند در زمان بیگناهی شان مورد بد رفتاری قرار گرفته اند؛ به همین خاطر مکتوب شد: از انجام آنچه نمی خواهید در حقتان شود در حق دیگران روا مدارید؛ به همین دلیل نه یک پدر بد نه یک مادر بد یا پدرخوانده یا مادر خوانده یا مرد یا زنی که سرپرست بد به ملکوت من وارد نمی شود؛ سرنوشت آنها به عدل بیگناهان من بستگی دارد؛ چراکه هر خردی در ملکوت آسمانها بزرگ است؛ آیا فکر نکردید خاضعان در پیشگاه پدر اولویت دارند؟ بدان معنا که هر خردی در عدل پدر یهوه اولویت دارد؛ به همین خاطر روح شما در ملکوت در اولویت نیست؛ بلکه آنها که مورد تحقیرتان در زمین واقع شدند اولویت دارند؛ روح شما نمی تواند درخواست اولویت کند؛ چراکه به شما فرمان داده شده بود همیشه فروتن باشید؛ خاضع، خود را آخر می داند؛ اهمیتی برای خود قائل نیست؛ همانا به شما می گویم کسی که برای خود اهمیت قایل می

شود به ملکوت آسمانها وارد نمی شود؛ حتی اگر این اهمیت دادن برای یک ثانیه یا کمتر باشد؛ به ملکوت آسمانها وارد نمی شود؛ سقوط این نسل به خاطر تصور ساختگی و دنیوی است که توسط اخلاقیات فاسد صخره مذهبی به شما القا شده؛ این فاحشه که قرن‌ها و قرن‌ها ایمانش را فروخته؛ برای علایق زودگذر؛ او به فکر خاضعان نبوده؛ خاضعان خود را با تجمل محصور نمی کنند؛ خود را تحریف نمی کند؛ چراکه همه خاضعان آنچه جویندگان بدن‌امی از آن می گذرند را از سرگذرانده اند؛ همه مادی‌گرایان، ارواح پسرگرا هستند؛ که آرزوهایشان را بر اساس حال بی ارزش بنا می سازند؛ حتی نسبت به قانون ارواح جاهلند؛ به اصطلاح پاپ‌ها نیز چنین خصوصیتی دارند؛ این مخلوقات در ملکوت ناشناخته اند؛ چراکه هیچیک از آنها وارد ملکوت نشده است؛ فقط خاضعان و متواضعان وارد ملکوت می شوند؛ مذاهب نیز در ملکوت ناشناخته اند؛ و حتی غبار سیاره در ملکوت آسمانها ناشناخته است؛ این به خاطر قوانین لامتناهی است؛ یکی از این قوانین آنست که کاینات نامتناهی است؛ که حتی رویاها نیز به واقعیت تبدیل می شوند؛ قانون دیگر اینست که هر کس بهشت خود را می سازد؛ و به همین ترتیب به اصطلاح پاپ‌ها و پیروانشان، که فلسفه ستایش مادی‌گرایی را گرامی

داشتند، دنیای خودشان را با چنین فلسفه ای ساختند؛ چراکه هر جهانی را بهشتی احاطه کرده؛ و هر یک، بهشت خود را می سازد؛ ستایش مادی گرایی، درختی نیست که پدر الهی کاشته باشد؛ و در ملکوت ناشناخته است؛ هیچ مکتب، علم یا فرقه ای که متواضعان را در نظر نگرفته نیز در ملکوت ناشناخته است، چراکه خطاب به شما می گویم این سیاره باید توسط متواضعان اداره می شد؛ متواضعان در ملکوت اولویت دارند پس باید روی زمین هم چنین باشد؛ و کاملاً برعکس آن رخ داده؛ این جهان توسط آنان اداره می شود که در ملکوت تقاضای آنرا نداشتند؛ ارواح تاریکی اداره تان می کنند؛ چراکه به نام نور در جایگاهشان قرار نگرفته اند؛ در سخنانشان نام مرا نمی آورند؛ خالق هدفشان نیست؛ این زوالی است؛ که پیش از ابدیت به اندازه آهی دوام دارد؛ من افکارشان را می خوانم؛ محاسباتشان را می بینم؛ چراکه همه جا هستم؛ می بینم که دنیای تاریکی خود را می سازند؛ همانا به شما می گویم رهبران مفتخر و باطل ، هیچکدام باقی نمی مانند؛ و هیچکس که فرمان مرا نادیده گرفت باقی نمی ماند؛ اگر از ابتدا متواضعان این جهان را اداره می کردند، به شما اطمینان می دهم این جهان به قضاوت نیازی نمی داشت؛ حتی یک خاطی وارد ملکوت پدر نمی شود؛

قانون در خود شماست؛ همیشه بوده؛ فقط باید فکر کنید و قضاوت خود را خلق کنید؛ ماده و روح براساس قوانین مربوط به خود عمل می کنند؛ چراکه هیچکس از ارث محروم نیست؛ همه از حقوق برابر برخوردارند؛ هیچکس در پیشگاه پدر از ارزش کمتری برخوردار نیست؛ این حقوق به صورتهای مختلف ظاهر می شود؛ هر صورت و شکلی که در جهان می بینید خودتان خواسته اید، شما شاهد در خواست آنها بودید؛ چراکه پیش از سکونت در این سیاره، میثاق ها با عناصر آینده طبیعت در گذشته بسته شده اند؛ و هرآنچه چشمهایتان می بیند، در میثاق الهی درخواست کرده بودید؛ به همین خاطر در پیشگاه پدر یهوه، ماده و روح حق مساوی برای قضاوت دارند؛ ماده و روح دارای اختیار هستند؛ مستقل بودن یکی از دیگری، کمال عدل نمی بود؛ تعادل حق هریک بهم می خورد؛ عدل یگانه خداوند به صورتهای نامحدود ظهور می کند؛ چرا که هیچ چیز در او محدودیت ندارد؛ هر عدلی از اعمالی که موجودات مرتکب شده اند، زاده شده؛ این ذات زندگیست که عدل آن را می سازد؛ ذات زندگی همان دانشی است که هر کس در هستی اش می آموزد؛ ارواح به خاطر دارا بودن اختیار، با سرعت یکسان، دانش کسب نمی کنند؛ برخی جلوتر از دیگرانند؛ این

قانون نابرابری بین شما را روشن می کند؛ هر دانش یا ذات زندگی کسب شده، در شما جاودانه است؛ اما همه چیز بسیار نسبی است؛ خودتان خصوصیات و کیفیت نسبتی زندگی‌تان را خلق می کنید؛ خصوصیت زندگی را فلسفه تفکر‌تان به شما می‌دهد و کیفیت آنرا سلسله معنوی ملکوت آسمانها؛ بهترین کیفیت با تواضع حاصل می شود؛ سپس با شادی و عمل؛ مکمل کمونیسم آسمانی ملکوت خداوند را بنگر؛ کمونیسم آسمانی با فلسفه کودک؛ آن کس که در زندگی شادی نکرد، به ملکوت آسمانها وارد نمی شود؛ حتی یک احمق هم وارد ملکوت نمی شود؛ حتی اگر حماقت یا عصبانیت یک ثانیه یا کمتر دوام داشته باشد؛ همه شما در ملکوت آسمانها قول دادید در زندگی شاد باشید؛ بهشت را تقلید کنید؛ قول دادید تحت هر شرایطی شاد باشید؛ درخواست حماقت نکردید؛ چراکه می دانستید در ملکوت ناشناخته است؛ و می دانستید با احمق بودن نمی توانید وارد ملکوت شوید؛ اگر طی هستی تان مرتب عصبانی شوید، به خاطر سیستم زندگی ناعادلانه ایست که انسان ها برگزیده اند؛ و خالقان چنین سیستمی باید در روز قضاوت بهایش را بپردازند؛ چرا که اینطور خواسته اند؛ و بنابراین به آنها عطا خواهد شد؛ شیاطینی که سرمایه داری

شیطانی را خلق کردند، عدل الهی، حسابشان را خواهد رسید؛ این شیاطین جاه طلب و غلبه جو به پدر جاودانه قول داده بودند قانون الهی اش را تجلیل کنند؛ نه اینکه ظالم شوند؛ چراکه این سیستم زندگی که حاصلش علم خوب و راحتی است، یوغ این جهان است؛ یوغی که به پایانش نزدیک می شود؛ چراکه آغاز دورانی جدید فرا رسیده است؛ دنیای جدید و زمان جدید؛ خلق جدید و سرنوشت جدید؛ آیا خالق یاد نداد که همه چیز دوباره زاده می شود؟ قضاوت نهایی با تعالیم بره خداوند آغاز شده است؛ پایانی دردناک؛ چراکه هر تخطی از قانون پدر موجب درد می شود؛ همانطور که بی عدالتی را در زندگیتان تجربه کرده اید؛ بی عدالتی که از سیستم زندگی زاده شد که پدر الهی آنرا نیافریده و در ملکوت آسمانها ناشناخته است.-

نوشته آلفا و امگا



او نویسنده وحی الهی است؛ او حق انتشار اثرش را داده است.

چطور مکاشفه آغاز شد؟

او، فرستاده پدرِ جاودان در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸ در پرو است. او تجربه آغاز مکاشفه و فرمانهای تله پاتی که از پدر جاودانه دریافت کرده است را تعریف می کند. در ادامه

متن کاستی که از آلفا و امگا در لیما ضبط شده است را می خوانید.

-آلفا و امگا: ببینید من هم مثل همه بودم؛ همیشه مثل دیگران بودم؛ فقط اینجا فرمانها را دریافت می کردم؛ پدر یکبار به من گفت، ازم خواست در دفترچه ای بنویسم که هنوز نگه داشتم؛ به من پیامی داد، ازم خواست بنویسم؛ یادم میاد، متن این بود: فرزند انتخاب کن، می خواهی به خداوند خدمت کنی یا زندگی خاکی ات را ادامه دهی؟! این یک انتخاب است، چراکه درخواست اختیار در زندگی را کرده بودی، مانند همه؛ به من سه دقیقه وقت داد فکر کنم؛ باید یادآور شوم.. که به من انتخاب داد؛ بعد من... می خواستم با تله پاتی جوابش را دهم- اما نوشت نه فرزند همانطور که کتبی از من درخواست کرده بودی؛ باید نوشته شود؛ هر حسی، درخواستی از خداست؛ بعد من نوشتم: پدر یهوه من پیرو تو هستم چون هر چیز بشری فناپذیره، ترجیح می دهم از کسی پیروی کنم که ابدیست.-

-برادر: اما اونموقع خیلی کوچیک بودی؟

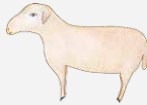
-آلفا و امگا: بله.-

-برادر: هفت ساله بودی با اینجالی می توانستی درک کنی؟

-آلفا و امگا: بله، بله؛ اون دفترچه را هنوز نگه داشتم و اون

صفحه را، زرد شده در گذر زمان؛ باید در چمدان گذاشته باشم، فکر کنم اونجا؛ بعد پدر به من گفت: بله فرزندم، می دانستم، اما امتحان شدی؛ حتی اگر خداوند بداند، باز هم باید امتحان شوی؛ چراکه اگر در امتحان موفق نشوی، تجربه کسب نمی کنی.-

-خواهر: اما یهو تو را غیر منتظره انتخاب کرد؟
-آلفا و امگا: بله به شما میگم که هر چیز قابل تصویری از خداوند خواسته شده، مثل اینکه کسی خواسته باشه اختراع کند، من خواستم آشکار کنم، هر کس براساس قانون خدا از او می خواهد.



چه در پیش است.

آنچه در پیش است به هر فرد بستگی دارد؛ چراکه مکتوب شده، که هر کس برحسب عملش قضاوت میشود؛ قضاوت الهی خداوند شامل هر تفکر پس از دوازده سالگی است؛ چرا که کودکان تنها کسانی هستند که در برابر قضاوت الهی قرار نمی گیرند؛ قضاوت الهی خداوند شامل حال به اصطلاح بالغان در زندگی می شود؛ آنچه در یک ثانیه به آن فکر شد برابر با یک هستی می شود؛ که بسته به اینکه چه تفکری بوده، هستی کسب شده یا هستی از دست رفته؛ جاودانگی هستی کامل برای کوچکترین فعالیت ذهنی عرضه میدارد.

آلفا و امگا



طومار و بره (یوحنا ۵)

۵ در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم که هر دو طرف آن نوشته‌هایی داشت و با هفت مَهر، محکم مَهروموم شده بود. ۲ فرشته‌ای قوی را دیدم که با صدای بلند اعلام می‌کرد: «چه کسی شایسته است مَهرهای طومار را شکسته، آن را باز کند؟» ۳ اما هیچ کس در آسمان، بر زمین و زیر زمین نبود که بتواند طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۴ پس به شدت به گریه افتادم؛ زیرا هیچ کس یافت نشد که شایسته باشد طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۵ اما یکی از پیران به من گفت: «دیگر گریه مکن. بنگر! آن شیرِ طایفهٔ یهودا، آری آن ریشهٔ داوود، غالب آمده است تا طومار و هفت مَهر آن را باز کند.»

علم آسمانی

دکترین برهٔ خداوند را پایانی نیست؛ چرا که عالم پایان آنرا ندارد؛ و به همین دلیل تمام جهان را فرا خواهد گرفت؛ و به تمام زبانهای دنیا ترجمه خواهد شد.



لطفا از

[/https://www.alfayomega.com/fa](https://www.alfayomega.com/fa)

بازدید نمایید و چه درپیش است، علم آسمانی و منشا الهی جام نقره ای را بخوانید.



طومار و بره
(یوحنا ۵)

<https://www.facebook.com/RevelacionAlfaOmega/>